

اطاعت:

با معرفت و محبت و ولایت امام، به عهد و پیمان با او و آن گاه تبعیت و اطاعت او می‌رسیم. عهد و اطاعت، تجلی و نمود عشق و محبت است. هر چه عاشق‌تر، متعهدتر و مطیع‌تر «ان کنتم تحبون الله فاتبعونی...» ۱۵

امام باقر (ع) به جابر می‌فرماید:
والله لاتنال ولا یتنا الا بالعمل ۱۶؛ به خدا قسم! تنها با عمل است که می‌توان به ولایت ما رسید

اطاعت امام: یعنی خود را وقف امام و خواسته‌های او کردن «رحم الله عبدا حبس نفسه علینا» ۱۷ و همیشه و همه جا، یاور و مدافع حریم ولایت بودن و در جهت تحقق خواسته‌ها و آرمان‌های او که همان خواسته‌های خداست، گام برداشتن.

اطاعت امام: یعنی زمینه ظهور او را فراهم ساختن «من انتظر امر ائمه...» «فیوظون للمهدی سلطانه».

اطاعت امام: یعنی بسط عدالت و فرهنگ عدل پذیری در جامعه و نهادینه کردن آن.

اطاعت امام: یعنی تلاش در جهت اصلاح خود و جامعه.

اطاعت امام: یعنی حاکمیت ولایت معصوم در فکر و اندیشه، عاطفه و احساس، اقدام و عمل.

اطاعت امام: یعنی جلوه خواست امام در جای جای زندگی از خانه و مدرسه گرفته تا کوچه و بازار.

پی نوشت:

- مفاتیح، زیارت آل یس، احتجاج، ج ۲ ص ۴۹۲
۲. هم چنان که جماعتی از ایرانیان (از قم و جبال) نخستین گروهی بودند که پس از شهادت امام عسکری در جست‌وجوی امام زمان خود بر آمده و به محضرش بار یافتند و بدینسان بیعت خود را اعلام نمودند. (کمال‌الدین، چاپ جامعه مدرسین، باب ۴۳، ص ۴۷۶، ج ۲۶) و نیز پس از پیدایش خوارج، شیعیان علی با آن حضرت بیعتی دوباره کردند؛ تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۲۶.
۳. بحار الانوار، (چاپ بیروت)، ج ۹۵، ص ۳۵۴.
۴. وسائل الشیعه، ج ۱۰، صص ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و... در زیارت جامعه نیز در خواست ما از خداوند چنین است: «فبحقهم الذی اوجبت لهم علیک اسئلك ان تدخلنی فی جملة العارفین بهم و بحقهم».
۱. ۵. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۵. به نقل از امام باقر
۲. ۶. «من عرفنی... احبنی»، مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۴۱۹؛ «الحب فرع المعرفة» همان، ج ۱۲، ص ۱۶۸ و بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۲؛ «من عرف حقنا و احبنا...» بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۲۴.
۳. ۷. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۷۸.
۴. ۸. ر.ک: چشمه در بستر، (تحلیلی از زمان شناسی حضرت زهرا (س))، صص ۱۱۴ - ۱۱۷.
۵. ۹. بحار الانوار، ج ۲، ص ۷۱.
۶. ۱۰. «عن ابی جعفر قال: اما لوان رجلاً قام ليله و صام نهاره و تصدق بجمیع ماله و حج جمیع دهره و لم يعرف ولا ینه ولی الله فیو الیه و یکون جمیع اعماله بدلالته الیه ما کان له علی الله حق فی ثوابه ولا کان من اهل الایمان». وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۴.
۷. ۱۱. «العهد هو التزام خاص فی مقابل شخص او امر». التحقیق فی کلمات القرآن الکریم.
۸. ۱۲. مفاتیح - دعای عهد.
۹. ۱۳. همان.
۱۰. ۱۴. همان.
۱۱. ۱۵. سوره آل عمران / آیه ۳۱.
۱۲. ۱۶. شیخ طوسی، الامالی، ص ۹۷.
۱۷. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶؛ کافی، ج ۸، ص ۸۰.

بیعتی تا همیشه

بیعتی تا همیشه



زیارت حضرت زهرا (س)
اسان مازندران





بیعتی تا همیشه

«السلام علیک یا میثاق الله الذی اخذه و وکده»^۱
 یوم الله نهم ربیع الاول، سال روز آغاز امامت
 قائم آل محمد، خاتم الاوصیاء، بقیه الله
 الاعظم (عج) و روز تجدید میثاق با آن امام
 همام و اهداف و آرمان‌های بلند اوست.^۲
 روزی که در امتداد غدیر و بلکه خود غدیری
 دیگر است.^۳

شایسته است عاشقان مهدوی و منتظران
 منجی بشریت، در هر کجا هستند به ویژه
 در کشورهای اسلامی و بالاخص در این مرز و
 بوم که شیعه خانه امام زمان است، با
 مراسمی ویژه به پاسداشت این روز بزرگ و
 عیدالله‌الاکبر همت گمارند.

باید در این روز با امام زمان خود، تجدید
 پیمان کرده و بر مفاد عهد و میثاق خود -
 که به آن‌ها در روایات و دعاها به ویژه
 دعای عهد اشاره شده

- مروری دوباره داشته باشیم و به بازشناسی
 و بازخوانی حقوق و تعهداتی که نسبت به
 آن امام نور و گنجینه عهد الهی و امید
 همه مستضعفان عالم بر عهده داریم،
 بپردازیم که به فرموده صادق آل محمد این
 عهد خدای عزوجل با ما است.



معرفت امام:

شناخت امام، درک اضطرار به او و آگاهی به حق ولایت
 اوست؛ «عارفا بحقه»^۴ زیرا امام از ما به ما و مصالحمان
 آگاه‌تر و نسبت به ما از ما مهربان‌تر است؛ چرا که
 آگاهی او شهودی و وجودی است و محبت او غریزی و
 محدود نیست، بلکه ربوبی و محیط است. امام از همه
 کشش‌های نفسانی آزاد است. او به راه‌های آسمان آگاه
 تر از راه‌های زمین است. تلفیق این آگاهی و آزادی می
 شود عصمت و همین زیرینا و رمز پذیرش ولایت و
 سرپرستی آن‌ها و تسلیم در برابر آن‌هاست:

انما کلف الناس ثلاثه: معرفه الائمه والتسلیم لهم فیما ورد
 علیهم والرد الیهم فیما اختلفوا فیہ. ۵ مردم به سه تکلیف
 مکلفند: معرفت امامان، تسلیم در برابر ایشان و واگذاری
 امور به ایشان در اموری که اختلاف پیش می‌آید.

ناآگاهی از حق ولایت امام و جهل در تشخیص و مصداق
 این چنین امامی آثار زیانباری هم‌چون چشم‌پوشی
 از همه دستاوردهای وحی، مرگ جاهلی، گمراهی و
 هلاکت و... را در پی دارد:

محبت:

محبت، ادامه معرفت است. ۶ با درک اضطرار به امام و آگاهی
 از حق ولایت او، محبت امام در دل می‌نشیند و عشق
 به او که عشق به همه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست در
 قلب آدمی ریشه می‌گستراند.

آن چه می‌تواند بر این محبت بیافزاید، درک این
 نکته است که این محبت یک طرفه نیست، بلکه دو
 سویه و طرفینی است. این گونه نیست که فقط من
 امام را دوست داشته باشم، بلکه او هم به من محبت
 دارد و حتی از من به من مهربان‌تر است؛ امام
 صادق (ع) می‌فرماید: والله! لانا ارحم بکم منکم
 بانفسکم...

به خدا سوگند! که من نسبت به شما از خود شما
 مهربان‌ترم.^۷



ولایت:

با معرفت و محبت امام به ولایت و سرپرستی او
 می‌رسیم. ولایت نه به معنای محبت که به
 معنای سرپرستی و تولیت در امور و امامت و
 پیشوایی است.^۸ یعنی سرپرستی
 و حاکمیت امام بر فرد و جامعه؛ بر فکر و
 احساس و عمل فرد و خانه و مدرسه و جای جای
 زندگی و متن جامعه.

«ان امرنا صعب مستصعب لایحمله (یحتمله) الا
 ملیک مقرب، او نبی مرسل، او عبد مؤمن امتحن
 الله قلبه للایمان»^۹

همین است که اگر کسی تمام شبها به نماز
 بایستد، همه روزها روزه باشد، همه اموالش را صدقه
 بدهد و همه عمر حج بگذارد، اما ولی زمانه خود را
 نشناسد و اعمالش را به سرپرستی و ولایت او انجام
 ندهد، از اعمالش هیچ بهره‌ای نمی‌برد و از اهل
 ایمان نخواهد بود.^{۱۰}

عهد:

معرفت امام و محبت و ولایت او، زمینه‌ساز عهد و
 پیمان و بیعت با امام می‌شود؛ زیرا عشق و ولایت
 بدون عهده‌داری و مسئولیت‌پذیری، هوسایی بیش
 نیست «که عشق آسان نمود اول، ولی افتاد
 مشکل‌ها».

عهد، التزام خاص و نوعی تعهدپذیری در مقابل
 شخص یا کاری است.^{۱۱} باید خود را به وظایفی که
 نسبت به امام داریم ملتزم سازیم و با او برای
 انجام خواسته‌ها و آرمان‌هایش عهد ببندیم
 (عهدا) ۱۲ و آن عهد را با اسباب و وسایلی
 محکم کنیم (عقدا) ۱۳ و در نهایت با او بیعت کرده و دست در
 دست او نهاده و دل و سر به او بسپاریم (بیعه) ۱۴.

